

کازم رجوی (ایزد)

رباعیات قدس

دوست فاضل ارجمندم ، آقای وحیدزاده (نسیم)

در شماره پنجم سال ۱۳۵۲ ، صفحه ۳۳۱ ارمغان ، گفتاری بعنوان « ترجمه رباعیات قدس نخعی » بخاتم دوست ارجمند آقای مدرسی چهاردهمی دیده شده که شامل مقدمه‌ای در تعریف (رباعی) و نام برخی از رباعی سرایان ایران از شعرا و عرفای در گذشته ، و نیز بحثی دربارهٔ رباعیات انگلیسی جناب آقای قدس نخعی و ترجمه آنها یزبانهای خارجی بود .

آن گفتار ، گرچه پسنیدیده بود ، ولی بنظر نگارنده و بسیاری از خوانندگان ، بسنده نبود . زیرا ، گرچه جناب قدس نخعی ، سراینده و نویسنده دانشمند ارجمند ، و عارف « درویش صفت » در گفتار و کردار خود پایبند آوازه نامبرداری ، در هیچیک از ادوار زندگی نبوده و نیست ، لیکن مقام مهم ادبی و شهرت بین‌المللی او ، چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ نویسندگی و سرایندگی ، درخور آنست که یا نامی از او و آثارش برده نشود و چنانکه خود خواهان : « چون چراغ لاله ، بزم گلشنی افروختن ، لیک خود باداغ بی نام و نشانی سوختن » است ، آرامش خلوت خاطر او ، عزیز داشته‌آید ، یا اگر یادی از وی میشود ، سزاوار نام و مقام ارجمندش باشد . همین اندیشه ، انگیزه نوشتن این مختصر گردید :

شاید بخاطر داشته باشید که نگارنده ، چندین سال پیش ، گفتارهایی در شماره‌های اول و دوم سال سیم مجله (بررسیهای تاریخی) بعنوان ترانه یا رباعی در ادبیات ایران و جهان) نوشت که محتوی مقدمه‌ای دربارهٔ شعر ایرانی و مزایای آن - اشکال و انواع آن و تکامل تاریخی آنها - شکل رباعی یا ترانه - خصایص صوری و معنوی آن - نامه‌های رباعی و ریشهٔ باستانی آنها - قافیۀ رباعی - اوزان رباعی - موضوع رباعی در ادوار باستانی و امروز - رباعی در کشورهای اسلامی - رباعی در باختر زمین - ترجمهٔ رباعیات خیام - آوازهٔ جهانی رباعی پس از آن ترجمه - احیاء رباعی در خاور

و باختر - علل بقاء و شهرت شکل رباعی در ایران و جهان - آمادگی رباعی برای پذیرش هر گونه تکامل و تجدد - رباعیات بیوسه (سرمشق خوب برای نوسرایان رامتین) بود. از آن روی ، در این گفتار ، نیازی بتکرار آن مطالب نیست و اگر خوانندگان خواسته باشند از اهمیت و اصالت رباعی در ادب ما و جهان آگاهی مفصل بهم رسانند، میتوانند بدان گفتارها ، نظر کنند . در این گفتار ، چون نظر اصلی شناسائی جنبه ادبی و فرهنگی جناب قدس نخعی ، بخصوص رباعیات اوست ، از شرح جنبه سیاسی و شهرت بین المللی وی ، در این جبهه ، صرف نظر کردیم . ولی چون این دو جنبه شخصیت او ، بموازات هم بوده است ، باید بنظایر این هماهنگی در زندگی برخی از سیاستمداران دیگر نیز اشاره کرد : درین باره ، از مقدمه کتاب « رباعیات فؤاد بایرام اوغلو » سفیر کبیر اسبق ترکیه در ایران ، که خود یکی از رباعی سرایان زبان ترکی و از ترجمانان « رباعیات قدس » از انگلیسی به ترکی است ، مدد میگیرم . اصل این مقدمه بقلم حکمت ایل آیدین (۱) وابسته فرهنگی اسبق سفارت ترکیه در ابران و ترجمه بفارسی آن با ۷۰ رباعی فارسی ترجمه رباعیات فؤاد ، از نگارنده است .

در این مقدمه ، از سیاستمداران جهان ، بخصوص آنانکه در امور خارجی کشورهای خود بکار پرداخته ، در ضمن جنبه هنری و شعری داشته اند ، نامهایی برده شده که برخی از آنها بقرار زیر است :

پل کلودل (۲) شاعر مشهور فرانسوی ، سن جون پرس (آلکسی لژه) (۳) برنده جایزه ادبی نوبل در ۱۹۶۰ از فرانسه ، ایواندریچ (۴) از یوگسلاوی (برنده جایزه نوبل در ۱۹۶۱) اوکتاویوپاز (۵) از مکزیک ، فون پست (۶) از سوئد . لاورنس دارل (۷) از انگلیس ، سفریس (۸) از یونان و قدس نخعی از ایران .

پس از ذکر این نامها ، چنین آمده است : « ذوق هیری و شعری ارزش نوینی

Paul Claudel (۲) H, Ilaydin (۱)

(Alexis - Leger) Saint, John - Perse (۳)

Von - Post (۶) Octavio - Pas (۵) Ivo - Andriç (۴)

Seferis (۸) Lavrence - Durell (۷)

بشخصیت سیاستمداران امور خارجی کشورها می‌بخشد. چه نقل آثار هنری ملی که بدانها منسوبند، آنانرا در بدست آوردن محبوبیت و هم حس بیستری، در دائره بزرگتری از روشنفکران بیگانه، یاری میدهد. و بدیهی است که ازاین راه، فوائد سیاسی نیز در روابط بین‌المللی، حاصل میگردد.

سپس، چندتن از کارمندان وزارت امور خارجه ترکیه را نیز می‌شمارد که مانند شخصیت‌های یادکرده، دارای ذوق هنری و شعری بوده‌اند، همچون یحیی کمال بیاتلی (۱) جمال بشیل (۲)، جمیل میراوغلو (۳) و فؤاد بایرام اوغلو (۴).

ازاین چهارتن، سه‌تن یعنی یحیی کمال، جمال بشیل و فؤاد بایرام اوغلو، سالیانی سفیر ترکیه در کشورهای خاورزمین، چون ایران و پاکستان و افغانستان بوده‌اند. و هر سه از رباعی سرایان بزبان ترکی‌اند. یحیی کمال، برخی از رباعیات خیام را نیز بقول خود، «باردیگر بزبان ترکی سروده است». بایرام اوغلو نیز، چنانکه گفتیم، رباعیات انگلیسی جناب قدس نغمی را، بزبان ترکی ترجمه منظوم کرده که اخیراً با مقدمه‌ای بقلم خود وی، انتشار یافته است.

از سیاستمداران ایران هم، چنانکه میدانیم، شادروان فروغی، علاوه بر کتابهای دیگر، کتابی هم درباره رباعیات خیام، با مقدمه دقیق فاضلانهای انتشار داد. اما جناب قدس نغمی، تا آنجا که نگارنده آگاه است، علاوه بر چاپ کتابهای گوناگون منشور و مقالات فراوان، عمری برسر رباعی سرائی بزبان انگلیسی و فارسی صرف کرده و در اثر ترجمه آنها بچندین زبان خارجی و شروح و مقدماتی که بر آنها نوشته شده، آوازه نامش خاور و باختر را فرا گرفته و همان «فوائد سیاسی» که حکمت ایل آیدین بدان اشاره کرده، از این آوازه، برای کشور ما حاصل آمده است.

جناب حسین قدس نغمی، در تهران بجهان آمد، ولی چون از آغاز شغل اداری در وزارت امور خارجه ایران عهده‌دار مقامهای مهم از مدیرکلی و معاونت و سفارت و وزارت و بیشتر ایام خدمت را سفیر کبیر ایران در کشورهای دیگر مانند عراق، انگلستان، امریکا و ایتیکان بوده (باستثنای سالهای وزارت امور خارجه و دربار شاهنشاهی)

(۱) Yahya Kemal Beyatli

(۲) Cemal Yesil

(۳) Cemil Miroglu

(۴) Fuat Bayramoglu

بیشتر رباعیات و بعضی از مقالات و کتابهای خود را بزبان انگلیسی نوشته ، تا فواید فرهنگی و ادبی عامی برای روشنفکران جهان فراهم سازد و ترجمه آنها بزبانهای دیگر شرفی و غرقی ، این فوئندرا تمامتر ساخته است ، پیش از حصول این آوازه بین المللی ، قدس نخعی ، در ایران چهل و اندی سال پیش ، با نشر کتابهای فارسی و مجله (ندای قدس) مشهور بود . اخیراً سازمان انتشارات نو تهران تصمیم بنشر مجموعه های جیبی از مقالات (ندای قدس) که بعلت گذشت زمان نایاب شده ، ولی طراوت و اصالت مقالات و داستانهای خود را ؛ از تطاول کهنگی و فرسودگی زمان ، نگاهداشته است ، گرفته و جلد اول آنرا (مشتمل بر ۶۱ داستان و مقاله) بعنوان (خانه یتیمان) ، که عنوان یکی از داستانهای آنست ، انتشار داده و گویا در نظر است ، مجموعه های دیگر آنرا تا ۱۰ جلد پیاپی انتشار دهد .

ناشر ، دیباچه مختصری بر این مجموعه افزوده که گویا مقتبس از مقدمات کتابهای ترجمه رباعیات قدس میباشد . و اجمالاً شامل نام تألیفات منشور و منظوم وی و ترجمه های آنهاست ، مابلاصه آنرا در اینجا آورده ، منتخبی از عبارات ارزنده و زیبای داستانها و مقالات و چند رباعی از رباعیات فارسی قدس را (که اغلب مضامین آنها بانگلیسی نیز سروده شده است) بر آن میافزائیم :

« سازمان انتشارات نو ، روزی بیک جلد مجله ندای قدس که در ۴۷ سال پیش آقای حسین قدس نخعی منتشر میکرد ، دست یافت و با مطالعه مطالب سودمند و آموزنده آن ، بجستجوی دیگر مجلدات آن برخاست تا دوره کامل آنرا پیش آقای محمد نجم پیدا کرد و با اجازه جناب قدس نخعی ، تصمیم بنشر مجدد مقالات و داستانها گرفت . جلد اول با عنوان (خانه یتیمان) شامل دوبخش است : ۱ - مقالات و داستانها بقلم قدس نخعی ۲ - ترجمه های ایشان از آثار بزرگان ادب جهان ... »

« آقای حسین قدس نخعی یکی از چهره های بزرگ جهان ادب است که در آغاز جوانی بتألیف و ترجمه کتب و مقالات ادبی و انتشار مجله (ندای قدس) و سرودن رباعیات دلفریب میپرداخته و آثار جالب و دلپذیری خلق کردند که برخی از آنها عبارات است از : رباعیات - بهشت - برهنه های آزاد - پرورش نفس - کتاب من - دختر شاهسون . کوه کبوتران - موسیقی ایران - سه غرقاب - فلسفه خدا و بشر - سه سه خال - تاریخ

دیپلوماسی ایران از عهد هخامنشیان - تاریخ روزانه جهان - ترجمه رافائل - سنگتراش
سن پوان از آهار لامارتین و چند اثر مهم بفرانسه و انگلیسی ، از قبیل :

La Dame des Iles	بانوی جزایر
Maryam	مریم
The Genii At Large	اجنه فراری
Trails Lost in Heaven	بت گم شده در بهشت
The Nymph of Paradise	حور بهشت
The Key to the Sacred Doors	کلید درهای مقدس
Beyond the Realm of the Sun	آنسوی حکومت خورشید
The Lady of the Isles	بانوی جزایر (ترجمه)

« رباعیات دل انگیز این شاعر بانگلیسی ، فرانسه ، اسپانیایی ، آلمانی ، ایتالیایی ، چینی ، ژاپونی ، عربی ، ترکی و کردی ، بوسیله شعرا و نویسندگان نامی ، مانند پروفیسور کازومی یانور رئیس دانشگاه متروپولیتن توکیو ، پروفیسور فلورنس ولز امریکائی ، دکتر باتیستا شاعر و نویسنده بزرگ و عضو آکادمی آرژانتین ، مادام سوفیا دوپوه نویسنده و شاعر بلژیکی ، دکتر پیه موتزه شاعر ایتالیایی ، جردی شاعر هلندی ، دکتر مصطفی جواد مورخ بزرگ عرب ، استاد صالح جعفری استاد ادبیات عرب ، پروفیسور یوموری استاد دانشگاه شیمانیه ژاپن ، مهدی جاسم از شعرای عرب [و شیخ سلام شاعر و نویسنده کرد] ، ترجمه و منتشر گردیده و هر یک از آنان مقام بلند و علو فکر و لطافت اندیشه آقای حسین قدس نخعی را در دیباچه خود ، تجلیل بسیار کرده اند . »

« ... دائرة المعارف بزرگ و معتبر لاروس مقدم بلند ادبی حسین قدس نخعی را در عالم عرفان و در رباعیاتش ، ستایش بسیار کرده است . »

دوست عزیز ! با مطالعه این مختصر که از دیباچه مجموعه یاد کرده ، آورده شد ، ملاحظه میفرمائید که این شاعر و ادیب و نویسنده بزرگ ، چه کارهای بزرگ و متنوع در عالم ادب و فرهنگ ایران و جهان ، انجام داده ، باینکه عمری در دشوارترین مقامهای سیاسی ، مشغول خدمت بکشور بوده است . اینهمه کار ادبی و فرهنگی ، آنهم بدو سه زبان و با آنهم اشتغالات سیاسی ، واقعاً شگفت آور و نماینده وسعت نظر ، هوش

سرشار ، قدرت اندیشه و حوصله خستگی ناپذیر اوست . شگفت آورتر اینکه هنوز هم ، بعد از نیم قرن عمر پرکار و جوش و خروش ، یا کمال حوصله و عشق و یکار و بدون سروصدا و خودنمایی ، همان کارهای هنری و ادبی خود را دنبال میکند و بخلق آثار نوین از نظم و نثر و تجدید انتشار آثار کهن خویش میپردازد. مقام ادبی او ، بخصوص در رباعیات انگلیسی، بقدری بلند است که بعضی از ترجمانان ، لقب «خیام قرن بیستم» بوی داده و حتی برخی از رباعیات ویرا ، از لحاظ زبانی هم ، از ترجمه گونه های فیتزجرالد از رباعیات خیام، برتر یافته اند. در پیگاه مطبوعات امروز ما، چنانکه میدانید، از این قبیل گوهرهای گرانقدر دریای ادب و عرفان ایران بیخبرند و جز خواصی معدود، او و آثارش را نمیشناسند. و این تا اندازه ای نیز معلول اخلاق شخص ایشان است . و چنانکه گفتیم با اینهمه کار هنری و اندیشه های بزرگ جهانی، مردیست گوشه گیر، فروتن، بی اعتنا بشهرت و تظاهر و گریزان از سروصدای مطبوعاتی . و همین صفات و اخلاق عالی اوست که با ارزش آثار ادبی و عرفانی او دست بدست داده و محبوب قلوب خواص ساخته اند .

من بسیاری از آثار منظوم و منثور قدس نخعی را خوانده و از آنها قواید بسیار برده ام و اگر محدودیت اوراق گرامی نامه ارمان، در تنگنایم نمی نهاد ، هر یک از آنها را با شرح موضوع و مرابایش، در معرض داوری شما و خوانندگان قرار میدادم. انسوس که محدودیت اوراق مجله، این اجازه را نمیدهد. ناچار، بنقل برخی از عبارات «خانه یتمان» و چند رباعی از رباعیات فارسی ایشان، میپردازم تا قطره ای چند از دریای وسیعی، نموده آید :

از مقاله (خواستن را بدان و...):

« ... مرد جوان ... باید قبل از هر چیز مدیر و استاد خویش باشد . این حکومت

و سلطه مطلق بر عقل و تمام حرکات روح، عامل توفیق قطعی اوست . »

از مقاله (اعتماد بنفس):

« ... در اعتماد بنفس، هرگز کبر و منی، خودنمایی و خود پسندی و شیادی و حیلگری

وجود ندارد . و آنکه دارای این صفت درخشان است ، اعمال نیکش، در همه جا ستاینده

اوست . »

ازمقاله (بایدکارکرد) :

« ... کسانی که متکی بعمل و کوشش و پاکدامنی. شجاعت و پشت کار خوداند ، هرگز دچار تزلزل و خفت نخواهند گردید . »

ازمقاله (زندگانی) :

« ... برای زندگانی، عشق و درراه عشق، کوشش و پشت کار لازم است . »

از داستان (خانه یتیمان) :

« ... زمین ربای موجودات عاشق و دل‌های شیدا تنگ است . ولی برای اینگونه

ارواح، مخازن لایتناهی، مناطق بی‌پایان و نواحی بس مرتفع و فرح‌انگیزی، در بهترین و

و زیباترین اماکن سماوات ، آراسته و پیراسته گردیده است . »

از داستان (بانوی جنگل) :

« ... کسانی که بهر مقدسی می‌بخندند، و هر چیز زیبا را مسخره می‌کنند ، بدبختند.

آنان بیشتر بدام اوهام می‌افتند و به تیر حوادث صید میشوند . »

از مقاله (توفیق) :

« ... توفیق مرغی است که بدانند کوشش و کار و فداکاری زیست‌می‌کند و جز با این

دانه ، نمیتواند زنده و پایدار بماند . »

اینک نمونه‌ای از رباعیات فارسی او : (از کتاب : منتخباتی از رباعیات حسین

قدس‌نخعی - چاپ افست، بانك ملی ایران - ۱۹۶۷)

- ۱ -

ساقی بده از لطف ، تو جام می ما !
خوش‌زنی که بلا دور شد از خانه ما ،
خوش‌کن بجمال خویش ماه دی ما .
از سحر می‌تاب و نوای نی ما .

- ۲ -

آذر بشتاب رفت و دی آمده است .
خوش‌زنی که گذشت باز از صحنهٔ عمر ،
از عمر تو ، فصل کهنه‌طی آمده است .
کهنه بشتاب و نوو زیبی آمده است .

- ۳ -

یک عمر بخود کامی و نیرنگ گذشت .
فردا ، نکند که خاک آلودهٔ ما ،
بانخوت و بدخواهی و صدرنگ گذشت !
زین کشت‌بری دهد، که بانك گذشت .

- ۴ -

در گردش عمر ما چه اسرار نهفت !
این خاک، که پرورد بسی شاخه گل،
در پشت در قضا، چه تقدیری خفت!
خود جمله شکست آخرو جمله برفت!

- ۵ -

این لانه خستی که ترا خوابگه است،
وان گل که ز دامنت بنفرت راندی،
هرمشت گل آن، زیکی بارگه است.
چون قاضی کهنه کار صد دادگه است.

- ۶ -

ایدوست، بده باده که دل پر خون است.
ویران شود این خانه تاریک زغم،
بیمانه سر پر زغم گردون است،
روزی که تهی ز باده گلگون است.

- ۷ -

در کارگه خدا کسی راه نیست .
شد قافله ای از آن ره اما اثری
وز سر خدا هیچکسی آگه نیست .
جز گرد ، از آن قافله گمره نیست!

نگارنده را هم ، در وصف رباعیات انگلیسی قدس نضعی عزیز ، هفت رباعی است که دوازده سال پیش از این سروده است . در خانمه این مقال شایسته است که آنها را نیز بیاورم :

به

« فیتز جرالده » کثور « خیام »

ای طایر « قدس » ای سراینده دل !
این نعمه عرشی ، ببرد سوی سپهر،
« خیام » و جرالده از نوای تو، خجل،
جان و دل هر خاکی درمانده بگل .

*

در ساحت قدس طبع فیاض تواند ،
چون ، بسته این کمند دلها نشود،
روح القدس و مریم و عیسی ، پابند .
آن دل که بجز لطف ، ندارد پیوند ؟

*

« ایزد » ، که دلش گریزد از هر چه و دام،
گردن ننهد ، بهیچ نیروی جهان ،
جز با سخن نغز نشد، با کس ، رام :
جز جذبه ساز و سخن و ساقی و جام .

هرچند، که اندیشهٔ اسرار وجود ،
با اینهمه ، هرمی نکند سرمستش !
جان و دل و اعصاب و تن وی، فرسود ،
این بادهٔ مینای تو ، مردافکن یود ،

از سحر و فسون، خرگهی افراخته‌ای؛
آوخ! که شراب آشنای لب دوست،
خوش بزم نشاطی، اندر آن، ساخته‌ای.
در ساغر بیگانه‌ای ، انداخته ای !

من ریختم آن باده ، بیمانهٔ خویش،
دلدادۀ پیمانہ و پیمان خودم ؛
تانوش کنم ، بیاد جانانۀ خویش ؛
هرچند ، نیم عاشق دیوانۀ خویش.

من شیفتهٔ هر سخن نغز و ترم ؛
هر گفته که منظور من آمد ، زیباست؛
در هر سخن نپخته ، کی در نگریم ؟
زیرا که سخن شناس و صاحب نظرم ،

کاظم رجوی « ایزد »

تجربیش - دیماه ۱۳۴۰ خورشیدی

دوست ارجمندم ، ملاحظه میفرمائید که تاریخ سرودن این هفت رباعی ۱۲ سال
پیش از این است . ولی تاکنون اجازهٔ انتشار آنرا نداشتم و اکنون هم با اصرار بدریافت
اجازت نایل آمدم . و این خود برهانی است روشن ، بر آنچه دربارهٔ اخلاق قدس نضعی
دانشمند ، عارف و درویش صفتی او گفته‌ام .

باتقدیم احترام . ارادتمند، رجوی

۱۳۵۲/۶/۵